



۵۷

سوسیالیسم امروز

۲۳ تیر ۱۳۹۷ - ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۸

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرود: سلام زینجی

باز هم عوامفریبی و شیادی آخوند محمد خاتمی

صفحه ۱۴

گزارشاتی از اعتراضات کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

صفحه ۱۲

حادثه دردناک و دلخراش تصادف در ترمینال شهر سنندج ، ما را نیز در غم عمیق فرو برد!

صفحه ۱۰

بدون سوسیالیسم رها شدن از چنگ جنایت و استبداد اسلام و سلطنت پادشاهی ممکن نیست

صفحه ۱۱

در ایران زندگی از سختی گذشته

"شیر خشک که به نوزاد داده میشود در عرض یک هفته ۵۰ هزار گرون شده"

صفحه ۱۱

افزایش خشونت و قتل های مرموز زنان

صفحه ۱۱

اطلاعیه همدردی حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حادثه دلخراش تصادف در شهر سنندج

صفحه ۱۶

عبدالله مهدی فاقد صلاحیت بررسی موقعیت و تاریخ چپ و کمونیسم است

(چند کلمه در باره یک "رهبر" و یک جریان فاسد سیاسی)

صفحه ۳

انقلاب اجتماعی و کمونیسم

جامعه آزاد کمونیستی

(برگرفته از برنامه حزب سوسیالیست انقلابی)

با اندک تعمقی میتوان دید که چگونه جهان سرمایه داری جهانی وارونه است. رابطه میان کالاها مبنای رابطه میان انسان هاست. تلاش عظیم و هر روزه بشریتی که کار میکند و جهان را میسازد، خود را در سلطه روزافزون سرمایه بر هستی اش مجسم میکند. انگیزه فعالیت اقتصادی، تولید مایحتاج انسان ها نیست، بلکه سود آوری سرمایه است. رشد روزافزون تکنولوژی و دانش علمی و فنی که کلید سعادت و رفاه انسان است، در این نظام به بیکاری و محرومیت هرچه بیشتر صدها میلیون کارگر ترجمه میشود. در جهانی که نهایتاً بر دوش تعاون و تلاش جمعی ساخته شده است، رقابت سلطنت میکند. آزادی اقتصادی فرد جامعه ای است که بر ناگزیری حضور هر روزه اش در بازار کار پوشانده اند، آزادی سیاسی فرد، بی حقوقی و بی تأثیری سیاسی واقعی اش را میپوشاند و به دولت و حاکمیت سیاسی طبقه سرمایه دار مشروعیت میبخشد. قانون، اراده و منفعت طبقه حاکم است که بصورت مقرراتی برای همه وضع شده است. از عشق و انسانیت تا حق و عدالت، از هنر و خلاقیت تا علم و حقیقت، مقوله ای در جهان سرمایه داری وجود ندارد که مهر این وارونگی را بر خود نداشته باشد.

← صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

انقلاب اجتماعی و... →



این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این کار کمونیسم کارگری است. این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است.

محور اساسی انقلاب کمونیستی، لغو مالکیت خصوصی بر وسائل کار و تولید، و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است.

انقلاب کمونیستی به تقسیم طبقاتی جامعه خاتمه می‌دهد و نظام مزد بگیری را از میان برمی‌دارد. بازار، مبادله کالایی و پول حذف میشوند. بجای تولید برای سود، تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان‌ها مینشیند. کار، که در جامعه سرمایه داری برای اکثریت عظیم مردم تکاپویی ناگزیر و چشم بسته و فرسوده کننده برای امرار معاش است، جای خود را به فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه مردم برای هرچه غنی تر کردن زندگی انسانی می‌دهد. هرکس، به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به جامعه انسانی، به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار خواهد بود. از هرکس به اندازه قابلیتش و به هرکس به اندازه نیازش، این یک اصل اساسی جامعه کمونیستی است.

نه فقط تقسیم طبقاتی، بلکه تقسیم حرفه ای انسان‌ها از میان می‌رود. کلیه قلمروهای فعالیت خلاقه بر روی همگان باز میشود. شکوفایی هر فرد به شرط شکوفایی جامعه بدل میشود. جامعه کمونیستی جامعه ای جهانی است. مرزهای ملی و کشوری محو میشود و جای آن را هویت جهانشمول انسانی می‌گیرد. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون مذهب، بدون خرافه، بدون ایدئولوژی و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسان‌ها.

از میان رفتن طبقات و تضاد طبقاتی، دولت را به پدیده زائدی تبدیل میکند. در جامعه کمونیستی دولت زوال پیدا میکند. جامعه کمونیستی جامعه ای است بدون دولت. امور اداری جامعه از مجرای تعاون، همفکری، ارتباط و تصمیم گیری جمعی کلیه اعضاء جامعه حل و فصل میشود.

جامعه کمونیستی به این ترتیب برای نخستین بار به آرمان آزادی و برابری انسان‌ها به معنی واقعی کلمه جامعه عمل می‌پوشاند. آزادی، نه فقط از ستم و سرکوب سیاسی، بلکه از اجبار و انقیاد اقتصادی و از اسارت فکری. آزادی در تجربه ابعاد مختلف زندگی و در شکوفایی خلاقیت‌ها و عواطف والای انسانی. برابری، نه فقط در برابر قانون، بلکه در بهره مندی از امکانات مادی و معنوی جامعه. برابری شان و ارزش همه در پیشگاه جامعه.

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدایش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیک و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در ابزارها و روش های ارتباطاتی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون یا به اشکال مختلف به هدر داده میشود و یا عامدانه مصروف ممانعت از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای بشر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتوانه اساسی جامعه کمونیستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میدهند که از اسارت طبقاتی، از بردگی مزدی، از اسارت معنوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، ضامن تحقق جامعه کمونیستی است.

سرمایه داری خود آن نیروی عظیم اجتماعی را که میتواند این افق رهایی بخش را عملاً متحقق سازد شکل داده است. قدرت شگرف سرمایه که در مقیاس جهانی گسترده است، انعکاس قدرت یک طبقه کارگر جهانی است. جامعه کمونیستی محصول انقلاب کارگری برای خاتمه دادن به نظام بردگی مزدی است. به این اعتبار انقلاب کارگری انقلابی اجتماعی است که بناگزییر کل بنیاد مناسبات تولید را دگرگون میکند. طبقه کارگر، برخلاف کلیه طبقات فرودست در تاریخ پیشین جامعه بشری، نمیتواند آزاد شود بی آنکه کل بشریت را آزاد کند. جامعه کمونیستی اتوپی نیست، بلکه محصول و هدف مبارزه یک طبقه عظیم اجتماعی علیه سرمایه داری است. مبارزه ای زنده و واقعی و جاری، که به قدمت خود جامعه بورژوازی است.

**کارگران، زنان، جوانان، مردم
مبارز و تشنه آزادی و برابری!**

برای رسیدن به اهداف خود به صف
کارگران و سوسیالیستها، و به حزب
سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!
این حزب، حزب شما است! حزب
سوسیالیست انقلابی را به جامعه
معرفی کنید و در حمایت از آن در
شکل محافل و دستجات مختلف خود
را سازمان بدهید، خود را با رهبری
حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم
با ما در تماس
باشید. iransocialist2017@gmail.com.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



عبدالله مهدی فاقد صلاحیت بررسی موقعیت و تاریخ چپ و کمونیسم است (چند کلمه در باره یک "رهبر" و یک جریان فاسد سیاسی)

عبدالله مهدی فاقد صلاحیت بررسی موقعیت و تاریخ چپ و کمونیسم است

گفتگوی ابوبکر شریفزاده
با سلام زیجی در تلویزیون پرتو

ابوبکر شریفزاده: بینندگان عزیز تلویزیون پرتو در برنامه امروز در رابطه با مصاحبه تلویزیون "ریگا" که اخیراً با عبدالله مهدی، تحت عنوان "دیدگاه‌های چپ" داشته، با شما گفتگو خواهیم داشت. در این رابطه از سلام زیجی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، دعوت کرده ایم پاسخگوی سوالات ما باشد. سلام زیجی به تلویزیون پرتو خوش آمدید و با تشکر از اینکه دعوت ما را پذیرفتید.

سلام زیجی: من هم به شما و کارکنان تلویزیون پرتو و بینندگان سلام می‌کنم و از دعوتتان تشکر میکنم.

ابوبکر شریفزاده: دوست دارم اولین سوال را به این شکل مطرح کنم که آیا اصولاً عبدالله مهدی شخصیت معتبری برای پرداختن به مسئله چپ و کمونیسم هست؟

سلام زیجی: در دنیای امروز و میدیاهانی که دنبال اهداف خاص سیاسی خود هستند همه چیز ممکن هست. این نوع میدیا بلدند که چه کسی را برای تامین اهداف مورد نظر خود جلوی دوربین ببرند. عبدالله مهدی از آن تیپ آدمهایی است که باب طبع جریان‌های ضد کمونیست و میدیای راست در جهت تامین هدفشان است. اگر هر رسانه و انسان آزادیخواه و حقیقت‌جویی خواهد از زبان امثال فرخ نگهدار اکثریتی جویای تاریخ چپ ایران شود و آن را به خورد بیننده اش بدهد، طبعاً میتواند این موقعیت را برای امثال مهدی نیز قائل شود. در نتیجه از نگاه من ایشان نه تنها صلاحیت بررسی تاریخ چپ و کمونیست را ندارند که این برنامه و نگاه او به چپ را نیز در ادامه تلاش ضد کمونیستی بیش از دو دهه ی اخیر عبدالله مهدی می‌بینم. عبدالله مهدی به عنوان یک عنصر بازنده در تاریخ چپ و کمونیسم و حتی جنبش بورژوازی‌گرد، به عنوان کسی که حتی تاریخ کمونیسم و چپ جامعه کردستان و کومه له سابق را نیز با تحریف و تخریب و در جهت آن جنبش ارتجاعی که به آن تعلق دارد، بیان میکند، باید مورد توجه قرار داد. او به عنوان یک چپ سابق در اوایل دهه نود آگاهانه جنبش چپ و کمونیستی را در جهت هموائی با نظم خونین نوین آمریکا و ارتش آن و عروج ناسیونالیسم کرد کنار گذاشت و سیاست و اهداف و آرمان دیگری را انتخاب کرد و دارد ادامه میدهد.

← ادامه

توضیح نشریه سوسیالیسم امروز: خواننده گرامی! بازتکثیر این گفتگو در باره یک جریان و شخصیت فاسد سیاسی، در اوضاع سیاسی حساس پیش رو، که بیش از پیش چهره کربیه و ضد انقلابی این نوع جریان‌های سناریو سیاهی بر ملا تر شده است، و در دوره ای که مجدداً همه شاهد خوش رقصی آنها در مقابل سیاست ترامپ و شیوخ عربستان و همساز شدنشان با هموعان و همچنینی‌های دیرینه خود، که از مفتی زاده تا نوریزاده، از جنبش سبزیها و دوم خرداد خاتمی تا میر حسین موسوی و منظری در جمهوری اسلامی، و از فرخ نگهدار تا پاسدار سازگار و "ولیعده" و غیره را در "اپوزسیون" در بر می‌گیرد و نمایندگی میکند، لازم دیدیم. این گفتگو هر چند چندین سال پیش و زمانی که رفیق سلام زیجی در رهبری یک حزب دیگری حضور داشت صورت گرفته، اما امروز برای هر انسان منصف و واقع بینی پیش از هر زمانی حقانیت آن نقدها عیانتر شده است.

توصیه میکنیم با دقت و بدون پیش داوری این گفتگو را مطالعه کنید! و در پخش آن کوتاهی ننمائید. توصیه میکنیم به هر شکلی که مناسب میدانید از اندک نیروی سردرگم باقی مانده در آن جریان، به ویژه در اجبارگاشان (اردوگاه) آنها که در حوالی سلیمانیه گرفتار شده اند، بخواهید تا دیرتر نشده است و در پول باد آورده و سیاست فاسد حلقه "رهبری" آن جریان غرق نشده اند، صفوفشان را ترک کنند و راه شرافتمندانه تری را برگزینند. آنهای که با قلب پاک و اهداف چپی و آزادیخواهانه و واقعا هنوز به تاریخ چپ کومله قدیم در دهه شصت متعهد و وفادار مانده اند و خط سیاسی ناسیونالیستی و دودوزه بازی امثال مهدی هنوز آنها را فاسد ننموده است، آنها که هنوز آینده و شرافت سیاسی و آزادیخواهانه خود را در اختیار این جریان قرار نداده اند، و بلاخره از همه انسانهای مبارز و شرافتمند و معتقد به آزادی و برابری و سوسیالیسم و سرنگونی کامل رژیم بدست خود جامعه، نه ترامپ و دلار امریکائی و دیگر شیوخ اسلامی، پایین هستند، بخواهید صفوف این جریان را ترک کنند تا شان مبارزین راه آزادی و برابری علیه نظام جنایتکار جمهوری اسلامی را برای خود محفوظ نگهدارند و اجازه ندهند این جریان ضد سوسیالیستی و ضد کارگری و ضد تاریخ واقعی کومله قدیم، سرنوشتشان را تبدیل به مزدوری و همکاری ("جاشیتی و هاوکاری") با این و آن دولت یا حتی بخشهای از خانواده جمهوری اسلامی گره بزنند. در ضمن سطح مسئولیت پذیری در قبال آینده جامعه از جمله در کردستان، و اخلاق سیاسی- انقلابی حکم میکند تا هر جریان و فردی که خود را اکنون "کومه له" نام گذاشته و با آن اسم فعالیت دارد، با قاطعیت علیه این نیروی ذخیره سناریو سیاهی، ضد کمونیستی و ضد تاریخ کومله قدیم، و حتی به شدت مخاطره آمیز برای خودشان در تحولات غیر انقلابی آینده در ایران و کردستان، به مقابله به ایستند و راه برای انحلال و منزوی تر شدن آنرا بیشتر فراهم نمایند.

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی، نه به قدری نظامی!

عبدالله مهتدی فاقد صلاحیت ...

از آن زمان تا کنون تمام زندگی سیاسی عبدالله مهتدی مانند یک فاشیست گرد قابل دیدن و بررسی است. او با این انتخاب جدید در پی کسب "رهبری" در جنبش بورژوازی گرد بود. البته باید تاکید کنم، همچنان که همه از آن باخبرند، تلاش وی برای هدفی که دنبالش رفت و آن صندلی که میخواست اشغال کند، به نتیجه نرسید و در اینجا نیز بازنده شد و شکست خورد. صندلی "گردایه تی" و رهبری در این بخش از بورژوازی گرد، از طرف افراد و جریانات قدیمی تر و ناسیونالیست تر از مهتدی تصرف شده بود. امثال مصطفی هجری و خالد عزیزی و حزب دمکرات کردستان ایران در جامعه کردستان ایران از هر نظر برای جنبش بورژوازی گرد اعتبار دارد اما مهتدی نه.



عبدالله مهتدی هر چند به شیوه فرهنگ و سنت آخوند مآبانه، روی منبر میرود و "مودب" و "با اطلاع از مسائل" ظاهر میشود، اما بنظر من از نظر سیاسی تماماً ورشکسته و صحبت‌هایش متناقض و بی در و بیکر است. حتی در صف جنبش خودش، جنبش بورژوازی گرد، هم یکی از بی پرنسیب ترین و غیر جدی ترین شخصیت‌های سیاسی آن جنبش محسوب میشود. سیر زندگی سیاسی او این حقایق

را به همه نشان داده است. از دوره ای که چپ بود در کومه له و حزب کمونیست قدیم و اعلام وفاداری به کمونیسم کارگری آن دوره تا "قیام" علیه آن اندیشه و جنبش و سازمان و حتی تاریخ سیاسی خود، از بر افراشتن پرچم خودمختاری و "طرفداری" از لنین" چون لنین و بلشویکها به "ملیتهای" آن زمان شوروی خودمختاری داده بودند، تا طرفداری از فدرالیسم و قوم پرستی که پرچم جریانات و افراد دیگر بود و او هم به حامی دو آتشه آن تبدیل شد، از حمایت از پروژه فرهنگی خاتمی تا جنبش سبز، و از همکاری و همراهی با پروژه های آلترناتیو سازی غرب و جریانات ضد مردمی تا حمایت آشکار از حمله نظامی به ایران، تا روش و منش برخوردش حتی به نیرو و سازمان تحت فرمان خودش، تا پیرونده فساد مالی گسترده و بیرون کردن هر صدای معترض و شبه چپی، از تدارک حمله نظامی به شاخه دیگر کومه له در بغل دست خود، یعنی کومه له "حزب کمونیست"، تا تدارک ترور ما کمونیست کارگری ها، که البته هر دوی این نقشه های جنایتکارانه اش با شکست مواجه شد و نتوانست عملی کند، و... همه اینها دال بر روند نامتعادل و بی پرنسیبی آشکار این شخصیت بازنده میباشد. چنین سازمان و شخصیتی بسیار جعلی تر از آن است که بتواند از تاریخ چپ و کمونیسم برای مردم صحبت کرده و سفسطه چینی کند. بی ابروتر از آن است که چنین مقامی داشته باشد، ما و مردم ایشان و فرقه ناسالم وی را به خوبی می شناسیم و از این رو او را فاقد کوچکترین صلاحیت سیاسی میدانیم که به بررسی موقعیت چپ بیردازند و در جهت تحریف و تخریب آن اظهار نظر کنند و در باره مارکس و سوسیالیسم لجن پراکنی نمایند.

ابوبکر شریفزاده: عبدالله مهتدی در آن مصاحبه از "دگم" بودن چپ صحبت میکند، گویا او چپ و کمونیسم غیر "دگم" را نمایندگی میکند!

سلام زیجی: عبدالله مهتدی امروز نه خود را کمونیست میدانند نه چپ، او ضد هر دوی این پدیده است! او هدف دیگری در این بررسی دارد. گفتیم او از اوایل دهه نود لباس سربازی گردآپتی در پوشش نظم نوین امریکا را بر تن کرد، او حتی جدائی اش از کومه له سابق بعد از ما را از زاویه ادامه همین سیاست و انتخاب سیاسی جدیدش به آن سازمان تحمیل کرد. جدائی سازمان زحمتکشان مهتدی حتی محصول دوران دوم خرداد خاتمی نیز هست که برای امثال مهتدی "پروژه فرهنگی" در جامعه رو به اعتدال بود، و همان زمان نیز برای هویت دادن به پرچم قومیکرانی در کردستان در اولین اطلاعیه سازمانی از دانش آموزان گرد زبان میخواست که به زبان گردی با معلم فارسی زبانشان صحبت کنند. بدین ترتیب همانطوری که گفتیم در دو دهه اخیر و با بر افراشتن این سیاست و اهداف ضد کمونیستی هیچگاه خود را مارکسیست ندانسته است. برعکس تمام هم و غم و تلاشش شکل دادن به روند ضد چپ و ضد جریانات کمونیستی بوده است و از تاریخ گذشته چپ خودش نیز شرم دارد. اما از چپ نام میبرد تا در جهت تخریب چپ جامعه را "متقاعد" کند.

ابوبکر شریفزاده: ببخشید، این درست است اما او میگوید، یا حداقل چنین وانمود میکند که ایشان و سازمانشان در واقع یک چپ غیر "دگم" است.

سلام زیجی: نه این را هم نمیگوید! او اصلاً از واژه چپ و سوسیالیسم و کمونیست در صفوف خودشان نیز وحشت دارد. بر عکس، از منظر یک ناسیونالیست افراطی قومگرا، که در مواردی هم لباس چپ آن جنبش بورژوائی را نیز بر تن میکند برای بند و بست و امر دیپلماسی مورد نظرش ظاهر میشود، همیشه این چنین نقش دو دوزه بازی را برای تأمین منافع و موقعیت فردی خود قائل بوده است. بعد از دوره ای که کومه له چپ و کمونیست بود و ما در به وجود آوردن آن تاریخ کمونیستی نقش داشتیم و امثال مهتدی هم در آن زمان در آن جبهه حضور داشتند، این آدم مرتباً رنگ عوض کرده است. و البته نقش "ارباب و آقا و دبیرگلی" را نیز همچون هر آدم خود شیفته برای خود قائل بوده است.

بعد از انتخاب و روی آوری به پرچم و جنبش دیگری، که تماماً در نقطه مقابل آن تاریخ و سنت مبارزاتی "مشترک" ما قرار داشت، او در اشکال مختلف علیه آن تاریخ کمونیستی قد علم کرد. همین حالا در جریان یک کشمکش و بحران دیگری که دامن عبدالله مهتدی و فرقه اش را گرفته، هر فردی به نوعی ادعای چپ را داشته یا احساس تعلق به تاریخ سابق چپ کومه له را میکند زیر ضرب مستقیم مهتدی و تیم "ارعبت" اش قرار دارد. اخراجها، انشعابات و توطئه های پی در پی برای ایزوله کردن و اخراج ناراضیان صفوف گروهش همه دال بر وحشت مهتدی از واژه و آرمانخواهی چپ است. تعدادی در درون آنها خواهان این بوده اند که حداقل نام چپ و ادامه

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

عبدالله مهدی فاقد صلاحیت ...

همان طوری که این فرد و گروهش از سابقه و نام مثبت گذشته کومه له و همچنین جانباختگان کمونیست سابق کومه له که علیه جمهوری اسلامی و حزب دمکرات و برای دفاع از آزادی و کارگر و کمونیسم و سرافرازی توده زحمتکش و آزادیخواه جان عزیزشان را باختند، و یا حتی با پخش تصاویر سابق من و شما مربوط به همان دوره جانباختگان کمونیست در میدیای خود بدون اسم بردن از ماها پخش میکنند، سو استفاده کرده و از آن برای مقاصد فاسد سیاسی امروز بهره برداری میکنند، و از آن در جهت پرچم قومی کردستان، فدرالیسم ارتجاعی، و حتی قلدری و کلاهبرداری سیاسی و مالی سو استفاده میکند، امروز هم به حکم قدرت اجتماعی که کمونیسم و چپ در جامعه از جمله در کردستان دارد، مجبور میشود به "مثبت" بودن آن اذعان کند، اما باز در جهت منافع گروهی و شخصی و پرچم ضد چپ و آزادیخواهانه خود از آن بهره برداری میکند. در نتیجه بنظرم ایشان هم به خود و هم به جامعه دروغ میگوید. هیچ اعتقادی هم به آن ندارد چون فکر میکند از این طریق نمیتواند به جایی برسد و همین پایه انتخاب آگاهانه و مصلحت جویانه سیاسی اوایل دهه نود او را هم بنیان گذاشت. کسی که مدعی است کمونیسم شکست خورده و سرمایه داری برتری خود را نشان داده، چیزی که در همین مصاحبه مدعی شده است، نمی تواند همزمان به جنبش و افکار چپ به عنوان یک پدیده "مثبت" نگاه کند. این تناقض در روش، فریب کاری و دروغ پردازی او را نشان میدهد. اما آنچه که ایشان را به این هذیان گوئی واداشته همین واقعیت اجتماعی است که جنبش کمونیستی و مشخصاً باور به چپ و قدرت اجتماعی کمونیسم در همین کردستان چنان اجتماعی و زنده و با نفوذ است که او هم به عنوان یک ضد کمونیست مجبور میشود به آن اذعان کند. پراتیک سیاسی دو دهه اخیر مهدی در ضدیت با هر درجه ای از حضور و عرض اندام چپ و جریانات کمونیستی در منطقه بوده است. به این اعتبار بیان مثبت بودن عمل و افکار چپ از جانب ایشان هم از سر اجبار است و هم عوامفریبانه.

ابوبکر شریفزاده: عبدالله مهدی در پاسخ به سوال دیگری حول "بحران چپ" این بار از موضع منفی به چپ میپردازد. مدعی شده که چپ و همچنین کمونیسم نمیتواند آلترناتیو باشد، نظر شما چیست؟ آیا چپ و کمونیسم در بحران است؟

سلام زیجی: قبلاً گفتیم عبدالله مهدی به عنوان یک سیاستمدار و روشنفکر بورژوازی گرد که منفعت طبقاتی خودش را میشناسد به مسائل مختلف میپردازد بدون اینکه هدف مخرب خود را سر راست بیان کند. نگاه و برخورد او به "بحران چپ" و همزمان "مثبت" دانستن آن در جهت تخریب و بد نام کردن چپ و کمونیسم است. از نظر من بررسی و برخورد او به "بحران چپ" نیز ملو از تحریف و دروغ و در راستای منفعت آن جنبش ارتجاعی است که دنبال میکند. اولین سوالی که هر بیننده ای در کردستان، وقتی این را از جناب مهدی می شنود، میتواند داشته باشد این است که، آیا برآستی این چپ است که درجه اول در بحران و انشعابات بسر می برد یا خود جنبش و احزابی که مهدی به آن تعلق دارد؟ من به عنوان یک کمونیست ارزیابی و نگاه دیگری به مشکلات چپ دارم که بسیار متفاوت است با ایشان.

سوسیالیسم در برنامه و اساسنامه سازمانی داشته باشند که با جواب نه مهدی روبرو شده اند و فرموده اند به جای ثبت آن در اسناد در میدیا و غیره از آن حرف بزنند، همین روش ناسالم که در همین مصاحبه اخیر به آن پناه برده است. علل این که عبدالله مهدی وقتی توانست در جنبش بورژوازی گرد در ایران و عراق جاپائی برای خود پیدا کند، دقیقاً به خاطر یورش و مقابله اش با کمونیستهای کارگری و تاریخ و سنت مبارزاتی جنبش کارگری و چپ در این مناطق بود. موقعیت کنونی مدیون این تحرک ضد کمونیستی و ضد آزادیخواهانه در کردستان و منطقه است و به همین خاطر هم اکنون از نظر مالی جیب شخصی خود و فرقه اش پُر و میدیا و رسانه در اختیارش میگذارند. اما بنظر میرسد دیگر حتی آن خاصیت ابزاری که سابقاً برای جنبش ناسیونالیسم گرد داشت اکنون ندارد، و ارزش مصرفش دارد تمام میشود.

ابوبکر شریفزاده: در جواب به سوال آن رسانه در رابطه با اینکه "مفهوم و معنی چپ" چیست، مهدی از زاویه مثبت به این مفاهیم برخورد میکند، آیا ایشان به این گفته خود واقعا باور دارند؟

سلام زیجی: اگر بپذیریم که آخوند روحانی به منشور "حقوق شهروندی" که منتشر کرده اند التزام و اعتقادی دارند، لابد خواهیم پذیرفت عبدالله مهدی نیز تعهد یا اعتقادی به این نوع گفته های خود دارد! بنظر من در این مورد هم باید توجه داشته باشیم که عبدالله مهدی نیز مانند همین روحانی و هر سیاستمدار طبقه بورژوا مجبور است به مطالبه واقعی و احساس آزادیخواهانه جامعه به نوعی اذعان کنند بدون اینکه هیچ اقدام یا تعهدی برای پاسخ واقعی و تقویت آن در دستور خود بگذارد. برعکس گوشه کوچکی را منعکس میکنند تا به حریفان خود در صف دولت و جنبش خود فشار ایجاد کنند یا راه دور زدن آن فشارها را بیابند. این حربه هر سیاستمدار مرتجع و بورژوا است. آنها فشار چپ و رادیکالیسم جامعه را بر خود حس میکنند و برای خنثی کردن آن و برای توهم پراکنی نسبت به خود به عنوان عنصر "مهربان" طبقه بالا دست و با هدف گردآوری نیرو لازم می بینند لباس و لحن شان را عوض کنند.

اگر برآستی عبدالله مهدی سر سوزنی به آنچه که در این مورد میگوید باور داشته باشد، اولین سوال هر آدم بی طرفی که در مقابلش قرار میدهد این خواهد بود که اگر چپ و آزادیخواه و حامی برابری انسانها هستید، چرا کمونیست و چپ نمائید؟ و چرا این سازمان را که ضد همه این واژه ها و پدیده ها میباشد درست کرده اید؟ چرا کثیف ترین توطئه ها را برای تخریب بهترین کمونیستهای جامعه کردستان و ایران در دستور خود گذاشته اید؟ چرا در تلاش بودید و هستید که تاریخ کمونیستی کمونیستهای زنده و جان باخته بیش از یک دهه کومه له سابق را به حزب دمکرات و بوش و ناسیونالیسم گرد بفروشید؟ چرا تمام پروپاگاندا و میدیای سازمانیش به هدف عقب نشینی به جنبش کمونیستی و چپ در جامعه کردستان و در جهت تفوق پرچم خونین و ضد مردمی ناسیونالیسم و قومپرستی بکار گرفته شده و میشود؟ اگر سر سوزنی تفکر "چپ" در وجود و زندگی سیاسی شخصی خود حس میکنید یا کلاً افکار چپ را خوب میدانید، این زندگی لوکس چیست که برای خود درست کردید و زندگی تعدادی را به گرو گرفته اید؟

عبدالله مهتدی فاقد صلاحیت ...

اگر کسی ریگی به کفش نداشته باشد همین متد و نگاه تحلیلی به جنبش چپ حال و گذشته را نیز خواهد داشت نه این که در این وسط گویا این چپ است که در بحران است. و این هم ریشه در این دارد کلاً مارکسیسم پاسخگو نبوده و گویا مردم باید به آن با دید ناباوری نگاه کنند و راهی نیست جز راه ارتجاعی امثال مهتدی و جنبش بورژوا ناسیونالیسم گردد! عبدالله مهتدی این رویکرد وارونه را دنبال و تقویت میکند که با حیات و بنیاد سیاسی و فکری فرقه دست ساختش همسو است.

کمونیسم و جنبش طبقه کارگر یک جنبش اجتماعی- طبقاتی برای زیر و رو کردن نظام فاسد و ویرانگر سرمایه داری است. آلترناتیوی برای جایگزینی نظام سرمایه داری است و در تمام دنیا در اشکال مختلف و به طور گسترده در جریان است و حضور دارد، با این وجود این جنبش اجتماعی بزرگ نیز در خود گرایشات مختلف از جمله چپ و راست دارد و این واقعیت را تمام قد باید دید، نه این که به هدف ضدیت با کمونیسم فقط گوشه یا بخشی از آن، سنت راست و غیر مارکسیستی آن را، به طور انتزاعی بیرون کشید و برجسته کرد و مهر بحران و شکست بر پیشانی آن زد تا خود را به عنوان صاحب نظر و فعال یک جنبش دیگر، جنبش بورژوازی ضد کمونیست و ضد کارگری برحق و استوار ترسیم کرد. به این میگویند جادوگری و سیاستمدار نان به نرخ روز خور. برعکس ادعای روشنفکران بورژوازی گرد علل بحران در بخشی از چپ نیز برنمیگردد به عدم حقانیت و مطلوبیت اجتماعی کمونیسم در مقابله با نظام ظالمانه سرمایه داری، بلکه بر میگردد به پورش جهانی سرمایه داری به "کمونیسم دولتی"، سرمایه داری دولتی بلوک شرق و فرو ریختن دیوار برلین و افسارگسیختگی بازار آزاد و ناسیونالیسم. در پی این یورش سیاسی و ایدئولوژیک جهان بورژوازی، بخشی از چپ درون جنبش کمونیستی که خود را در قطب بلوک شرق و امثال استالین تعریف میکرد شکست خود را پذیرفتند و اسمشان را عوض کردند و به نیروی دمکراسی و حقوق بشری و بخشاً کمپین ارتجاعی و همسو با سرمایه داری پیوستند. عبدالله مهتدی نمونه برجسته آن تحولات و جزو قربانیان این روند و تاریخ و شکست بود! مهتدی خیال میکند که میتواند همه جا "قهرمان" ظاهر شود، ما او را همواره شکست خورده و آلت دست جنبشهای ارتجاعی دیده و خود او علل این موقعیت شکننده خود را کمونیستها میدانند.

اگر بحران و سردرگمی در بخشی از چپ هست، که هست، منشا آن قبل از هر چیز به آن تحولات جهانی برمیگردد، اما باز این تمام تصویر نیست. در مقابل، بخش عظیم تری از جنبش کارگری و کمونیستی و حتی روند چپ با قدرت بیشتری پا به میدان گذاشته اند و امروز چهره ی انسانی و امید به آینده شایسته انسان تنها از این مسیر قابل تصور است. جز این همه چیز برای بشریت آگاه و شرافتمند سیاه و ناامید کننده است.

ابوبکر شریفزاده: عبدالله مهتدی در این مصاحبه که گویا میخواهد کمونیسم و چپ را به مردم معرفی کند! میخواهد این پیام را بدهد که آنها از شر چپ و کمونیست خود را خلاص کرده اند و مردم بپذیرند آنچه مهتدی در باره چپ و کمونیست میفرماید عین حقیقت و غیر "دگماتیست" است. آیا مردم این نوع پروپاگاندا و ادعائی که مهتدی میکند میتوانند بپذیرند؟

سلام زیجی: روشن است که هیچ انسان اندک مطلعی این پروپاگاندا و وارونگی مهتدی را به عنوان تاریخ و واقعیت چپ و کمونیسم نخواهد پذیرفت. ادامه ←

اما در اینجا به همین اکتفا کنیم که باز بیرسیم آیا چپها به بخاطر یک "کلمه" انشعاب میکنند یا بر عکس انشعابات و بحران و سر درگمی به مراتب بیشتری در صفوف جنبش ایشان از جمله گروهی که در راس آن قرار دارد جاری بوده و هست؟ کدامیک بیشتر در بحران قرار دارند؟ باندهای سیاسی نوع مهتدی اگر نان و اسلحه شان را ندهند دود میشوند و هوا میروند چون دست ساز اند.

اجازه بدهید مردم قضاوت کنند. سازمانی که اسمش "کومه له" بود، بعد از جدائی ما کمونیستها از آن در اوائل دهه نود، این آقا به دلیل سیاستهای مخرب و ضد کمونیستی و تبدیل شدنش به عنصر ناسیونالیسم و امریکا و همراهی با جناحهای درون رژیم و... تا این لحظه آن را به انشعابات متعدد کشتانده و به ۶ تا ۷ گروه تبدیل کرده است که بیشترشان به نوعی با پسوندی به اسم "کومه له" کار میکنند. پایه و دلیل اساسی که این جریان، در خلاء جریان کمونیسم کارگری با آن روبرو شد، همراهی کردن و سرویس دادن هائی بود که بقیه در کومه له باقی مانده آن زمان به عبدالله مهتدی دادند. باید به چنین شخصی مدال داد، وقتی خودش روی صندلی ای نشسته که به چند تکه تبدیل شده است با این "شجاعت" کم نظیر از بحران و انشعاب در چپ هذیانگوئی میکند. مردم حق دارند به چنین آدمی بگویند آقا شما صلاحیت چنین بحثهایی را نداری! حق دارند بگویند جناب، شما به دلیل این که به تخریب یک تاریخ و جریانی که کمونیستهاهای آن تاریخ چپ و آزادیخواهی در کردستان و منطقه را ساخته اند دست بردی و موفق شدی که یک سازمان و تاریخ ضد چپ و ضد آن تاریخ را برای خود بازسازی کنید، شما وقتی در نبود یک جریان کمونیستی روشن در کومه له بعد از دهه نود موفق شدید بخشی از آن سنت و نام و تاریخ و جانباختگان کمونیست آن دوران را به بورژوازی و ناسیونالیسم، و اسلام و امریکا بفروشید، حالا شرم ندارید از بحران چپ سخن میگویند؟ این آن تناقض و بحران است که شما با آن روبرو شده اید و همچنان وبال گردنتان است. در نتیجه شما در این مورد هم فاقد صلاحیت اظهار نظر هستید و خود شما بخشی از تعرض به چپ و تحمیل "بحران" به آن بخشی از چپ ملی هستید که بر تار و پود امروز جریانات "کومه له" نیز تنیده شده است.

علاوه بر آن، مهتدی به این مسئله آگاه است که چپ هم مانند هر جریان و جنبش دیگری یک جنبش اجتماعی است، دارای گرایشات متفاوت میباشد و در آن راست و چپ وجود دارد. ایشان واقفند که این در مورد جنبش ارتجاعی خودش هم صدق میکند. جنبش بورژوازی گرد نیز با وجود این که در تحلیل نهائی به عنوان جنبش یک طبقه معین به اسم طبقه سرمایه دار گرد است، اما ما شاهد انواع احزاب و جریانات سیاسی در درون آن هستیم که بعضاً به خون همدیگر تشنه هستند و همدیگر را در گذشته کشتار کرده اند. اگر قرار است ناسیونالیسم و گردایتی و حتی جنبش اسلامی یک جنبش و یک هدف مشترک داشته باشند، پس چه نیازی به این همه جریان به اسم حزب دمکرات، کومه له، پژاک و جبهه متحد کرد و القاعده و مفتی زاده و غیره هست؟ پس باید قبول کرد جنبش های متخاصم طبقاتی احزاب و جریانات متفاوت از خود بیرون میدهند که در آن کمونیست کارگری و چپ، راست و میانه و اسلامی معنی زمینی و مادی دارند.

عبدالله مهتدی فاقد صلاحیت ...

کمونیسم کارگری را در دست داریم دید انتقادی و مرزبندی روشنی با چپ سنتی و غیر مارکسیستی داشته و داریم.

اما این فرق دارد با آنچه که امثال مهتدی در پی آن است، ما فکر میکنیم با وجود هر انتقاد و مرزبندی و مشکلی که میتوان در صف یک جنبش اجتماعی و سازمانهای آن وجود داشته باشد و باید مورد کنکاش و بررسی قرار داد اما در نهایت به نظر من به عنوان یک طبقه و پیشروان کمونیست آن طبقه و جنبش اجتماعی آن به اهداف و آرمانهای اجتماعی خود واقف هستیم و هیچ تردید و ابهامی در آن نمی بینیم. به همین اعتبار فکر میکنم عبدالله مهتدی و هر فعال جنبش ملی و اسلامی نیز با وجود ارتجاعی بودن راه و برنامه شان به همان درجه بر اهداف و آرمان طبقه خود آگاهی دارند و از آن کوتاه نخواهند آمد مگر با زور و قدرت اجتماعی و شکست دادن آنها در عرصه نبرد طبقاتی. از این رو آنچه که مهتدی میگوید را باید در حوزه پروپاگاند سطحی یک فرد حامی طبقه بورژوا و ضد کمونیست مورد توجه قرار داد. عبدالله مهتدی "دگم" زدائی نکرده، کمونیسم و آزادیخواهی زدائی کرده، آنها هم چنان که گفتم دگم خود را دارند و از آن کوتاه نخواهند آمد.

ابوبکر شریفزاده: در باره مارکس عبدالله مهتدی تا جانی که به سطح "تحلیل" مارکس برمیگردد با دید مثبت برخورد میکند، اما در باره سوسیالیسم مدعی است که مارکس چیز زیادی در این باره نگفته و آنهایی را هم که گفته است، سرمایه داری به آن جامعه عمل پوشانده است، شما پاسختان به این جنبه از بحث چیست؟

سلام زیجی: این آقا از موضع "دفاع" از مارکس زیرکانه تیشه به ریشه مارکس میزند. میگویند مبانی مارکس تحلیلی است، اثباتی نیست، این را بکنید و نکند نیست! توضیح میدهم که او چگونه مارکس را تحریف میکند. علاوه بر آن در باره مانیفست کمونیست و اینکه گویا مارکس به قول ایشان چیزی در باره سوسیالیسم نگفته نیز آشکارا دست به تحریف زده و مخاطبین خود را دست کم گرفته است. دادن این روایت از مارکس که گویا کارش "تحلیلی" بوده یک روایت تماماً بورژوائی، تحریف شده و غیر واقعی از مارکس است. روشی که هر ژورنالیست و روشنفکر نظام حاکم دوست دارد مارکس را چنین تصویر کنند تا از "خطر" مارکس برای نظام و جنبش شان بکاهند. این سناریو سازی بورژوائی در حالی است که هر انسانی که سر سوزنی از مارکس و کمونیسم متوجه شده باشد میداند که نه مارکس، نه کمونیسم و نه مانیفست کمونیست را نمیتوان صرفاً به عنوان تحلیل گر و مفسر جهان و نظام سرمایه داری دید و بررسی کرد. مارکس و مارکسیسم و اساس کمونیسم و مانیفست کمونیست اساساً در نقد نظام سرمایه داری و آلترناتیوی به منظور فراخوان طبقه کارگر برای سرنگونی نظام استثمارگرانه سرمایه داری و جایگزینی کمونیسم و سوسیالیسم با آن است. عبدالله مهتدی حتی زبانش لال است که مارکس و کاپیتال مارکس را به عنوان نقد و پراتیک یک طبقه اجتماعی با هدف لغو کار مزدی به شنونده برنامه اش معرفی کند. از بیان تفاوت پایه ای کمونیسم مارکس با چپ رایج در دوره اخیر و خصوصیات پراتیکی کمونیسم و جنگ مارکس و کمونیستها و طبقه کارگر علیه نظامی که خود مهتدی یکی از سربازانش است هراس دارد به بینندگان این تلویزیون معرفی کند.

ادامه ←

سلام زیجی: روشن است که هیچ انسان اندک مطلعی این پروپاگاند و وارونگی مهتدی را به عنوان تاریخ و واقعیت چپ و کمونیسم نخواهد پذیرفت. برعکس از او به عنوان یک انسان ضد آزادی و کمونیسم یاد خواهند کرد. مردم میدانند که مهتدی خود و سازمانش بر مبنای یک سیاست به غایت ضد کمونیستی و راست و نژاد پرستانه و آن طوری که در میان مردم هم شناخته شده است بر مبنای اپورتونیسم سیاسی، نان به نرخ روز خوری و حتی در زمینه مالی متکی به فساد گسترده و تجارت مالی و کلاهبرداریهای گسترده شکل گرفته است. نه تنها هیچ کسی آنها را چپ و سوسیالیست نمی داند برعکس همه واقفند که بند ناف این گروه و اساس سیاستش در ضدیت با کمونیسم و سوسیالیسم و در جهت تخریب روند چپ و جنبش کارگری و آزادیخواهانه در کردستان سرهم بندی شده است. در مورد ادعای "دگماتیسیم" باید بگویم این همان تعرض شناخته شده ای است که توسط بورژوازی و خیل روشنفکران موجب بگیر و بدون موجب آنها علیه کمونیسم همواره گفته شده است. به مارکس و لنین، به منصور حکمت و من و شمای کمونیست هم این هذیان ها گفته شده و میگویند. که اینها، یعنی ما کمونیستها، دگم هستیم، روی حرف خود ایستاده ایم، عقب نشینی نمیکنیم و غیره. این بورش و پروپاگاند سازمان یافته و متداول و البته پوچ جنبشهای ارتجاعی و سرمایه داری ضد کمونیست میباشد. جالب این است آنهایی هم که چنین پروپاگاند و دروغی را سازمان میدهند، خود چه به عنوان

فرد و چه به عنوان جنبش با لجاجت تمام دو دستی به افکار و امیال و پرچمهای ضد بشری خود چسبیده اند و حاضر نیستند یک قدم از آن دست بکشند. شما نمی توانید امثال مهتدی را از راه ضد کمونیستی که انتخاب کرده اند منصرف کنید، اینکه آشکارا به نوکر امریکا و آلترناتیو سازیهای راست آن مشغول شده و سرگرم نشست و برخاست با عنصرهای اطلاعاتی رژیم و افرادی چون سازگارا یا نوری زاده هاست و به یکی از پرچمداران فاشیسم و ناسیونالیسم گرد تبدیل شده است را نمیتوان از ادامه این راه منصرف کرد، این که او صاحب تام و تمام همه چیز همین سازمان ورشکسته اش میباشد و قوم پرست و فدرالیست چی است، مگر دست بر میدارد؟ پس افراد و جریانی که این چنین "دگم" به افکار و سیاستها و عملکرد همواره شکست خورده و بی آبروی خود چسبیده اند، لیاقت و شایستگی تعرض و خُرده گیری از کمونیستها را ندارد. این که بفرمایند که ما "دگم" هستیم و بر سر کلمات با هم می جنگیم زیادی کمیک است. اگر سر سوزنی در این گفته حقیقت وجود داشته باشد باز محصول فرهنگ و سنن بورژوازی است نه محصول کمونیسم کارگری مارکس و سنت اجتماعی مبارزاتی طبقه کارگر پیشرو. مگر کسی که سالیان متمادی قوم پرست و اسلامی و در صف آدمکشان و مرتجعین قرار دارد از امیال و عملکرد و اهدافش کوتاه آمده است که امروز کسی بخواد طبقه کارگر و کمونیستها از مطالبات و آرمان و اهداف انسانی و برحق خود کوتاه بیایند؟ مهتدی در پوشش اشاره به "دگم" بودن چپ میخواهد کمونیستها از آن آرمان و پرنسپیهای طبقاتی خود دست بکشند و به رنگ بی رنگ و بی آبروی سیاسی وی تبدیل شوند.

من تردیدی ندارم که در صفوف چپ هم مشکلات و ایرادات زیادی هست به ویژه که ما پرچم کمونیسم طبقه کارگر،

عبدالله مهتدی فاقد صلاحیت ...

ابوبکر شریفزاده: در همین مصاحبه عبدالله مهتدی از یکطرف می گوید، احکامی که مارکس در باره نظام سرمایه داری داده درست نیست از طرف دیگر می گوید نقدش به مشکلات کاپیتالیسم درست است.

سلام زیجی: البته چیز زیادی در باره این ادعاهای پر تناقضش که، گویای عدم صداقت ایشان در برخورد به حقیقت و بررسی تاریخی چپ از جمله در برخورد به دید و آثار مارکس است، نگفته است. اما منفعت طبقاتی و در عین حال نفرت عمیقی که او از کمونیسم دارد او را مجبور میکند به این تناقضات کشیده شود. او مجبور شده است بگوید نقد مارکس به سرمایه داری درست است چون کثافت این نظام امروز هزار برابر دوران مارکس است که عبدالله مهتدی خود به یکی از حامیان تبدیل شده و در این میدان زندگی سیاسی خود و گروهش را تعریف کرده است. اما وقتی به اساس بحث مارکس یا به قول ایشان "احکام" مارکس میرسد ناچار میشود به مخالفت مارکس بپردازد چون به درست بنیاد سیاسی و منفعت اقتصادی و طبقاتی شخص خود و جنبشش را در تضاد با آن می بیند. این احکام مارکس که ایشان آن را "نادرست" دانسته اند، عبارتند از لغو کار مزدی، ضرورت سرنگونی نظام سرمایه داری و رهائی بشریت از جنگ نظام وحشیانه و نابرابر سرمایه داری، پایان دادن به مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، برقراری واقعی آزادی و برابری انسانها در همه شئون زندگی و پایان دادن به طبقات و اختلاف و تضاد طبقاتی و غیره است. وقتی این تلاش و اهداف مقدس انسانی هنوز به نتیجه نرسیده است، برای مهتدی نیز مانند هر بورژوازی دیگری فرصتی خواهد بود که بگوید دیدید احکام مارکس درست نبود! دیدید سرمایه داری همچنان پا برجا است! دیدید مارکس از اضمحلال کاپیتالیستی گفته ولی اکنون کاپیتالیسم بیشتر رشد کرده است! اما اینها اگر ذره ای شرافت سیاسی داشتند، همزمان میگفتند که از زمان مارکس تا به امروز سرمایه داران و موجب بگیرانشان از راه سرکوب خونین، دسیسه و فریب و ... طبقه کارگر و کمونیستها و مخالفین چنین مناسباتی را همواره با بیرحمی تمام سرکوب کرده و میکنند و این سرمایه داری اگر یک روز، در هر جایی از دنیا، نیروی مسلح و زندان و اوباش و موجب بگیرش را از سر راه بردارد معلوم میشود که آیا احکام مارکس درست بوده یا نه! **جنباب مهتدی** میخواهد به کسی که گوش شنوا برایش دارد بگوید مارکس و کمونیسم همین است که هست و سرمایه داری اگر چه نقد مارکس هم درست بوده اما "الگوی اقتصادی" آن بهتر و دنیا همین است و این سیستم ازلی و ابدی است. قبول کنید!

اما مارکس به عنوان رهبر و تئورسین و نماینده طبقه کارگر علیه سرمایه داری، یعنی عمل انقلابی و اتحاد طبقه و سرنگونی قهرآمیز نظام حاکم سرمایه و حامیان آن. از جمله در ایران و کردستان مشخصاً یعنی امکان عروج قدرتمند طبقه کارگر و کمونیستها، دست بردن به قدرت، به اسلحه و تلاش برای رسوا کردن و از سر راه برداشتن جریانات فریبکار و قوم پرست و اسلامی که میخواهند جامعه را به مسیر دیگری ببرند. از جمله جریانی مانند مهتدی را باید با شکست بیشتر مواجه کرد. عبدالله مهتدی در این مصاحبه با زبان شبه آخوندی به مردم میگوید، اگر چه مارکس آدم خوبی بود اما راه و آلترناتیو او و دوره مبارزه انقلابی و کارگری و کمونیستی پایان یافته است، اکنون دوره سوگند خوردن به عباى روحانی، دوره ملت و نژاد پرستی و دوره امید بستن به

این از سر کم اطلاعی ایشان از این حقایق مربوط به مارکس و کمونیست ها نیست، بلکه آگاهانه و شگرد موزیانه ای است برای تحریف و بی خاصیت نشان دادن مارکس و کمونیسم توسط مهتدی.

در باره این که مارکس چیزی در باره سوسیالیسم نگفته است، فکر کنم نیازی به توضیح من ندارد، هر کسی میتواند برود مانیفست کمونیست، برنامه ای که مارکس و انگلس آن را تدوین کرده اند، مطالعه کند تا به دروغگوئی آشکار مهتدی پی ببرد. در آن برنامه مارکس به تفصیل سوسیالیسمهای بورژوائی، تخیلی، فئودالی و ... را به نقد میکشد و از سوسیالیسم کارگری و کمونیسم کارگری دفاع میکند، به عنوان یک طرح اثباتی و آلترناتیو کمونیستها، در هر حال مهتدی در این باره نیز اطلاعاتی غلط و تحریف شده تحویل بینندگان آن برنامه داد.

ابوبکر شریفزاده: مهتدی در عین حال که با دید مثبت به مارکس برخورد میکند اما همزمان از غیر قابل قبول بودن کمونیسم و آلترناتیو کمونیستی در جامعه می گوید، شما این برخورد متناقض را چگونه توضیح میدهید؟

سلام زیجی: آنچه که عبدالله مهتدی بیان میکند نکته جدیدی نیست. شما از روحانی، از بوش، از بلر، از هر روشنفکر و ژورنالیست بورژوائی هم سوال کنید همین جواب را میدهند که مارکس خوب است، تحلیگر است، اما کمونیسم بد است، برای مطالعه و روی طاقچه گذاشتن مثبت است اما نمیشود و نباید گذاشت قد علم کند و سرمایه داری را چلنج کند. اینها می بینند هنوز که هنوز است آثار مارکس از جمله کاپیتال پُر فروش ترین و بیشترین مراجعه کننده در دنیا را دارد. علاوه بر آن، مارکس احزاب و حرکتهای سیاسی و کارگری و طرفداران وسیعی در جهان دارد، این واقعیت حتی بورژواها را نیز مجبور میکند که با احترام به مارکس برخورد کنند. قدرت نقد و رد تئوریهای مارکس را ندارند اما در عوض تلاش میکنند در کنار "احترام" به مارکس، مارکس را از محتوا تهی نمایند، به همان سطح آکادمیک و تحلیگر تقلیل دهند و اساس پیام و فراخوان و نقد و آلترناتیو کمونیستی مارکس را به حاشیه برانند. چیزی که مهتدی هم دقیقاً در همان بستر دارد به مارکس برخورد میکند و او را تحریف میکند.

عبدالله مهتدی خودش هم بر این حقیقت واقف است که خود بخشی از خیل دشمنان کمونیسم کارگری مارکس است. از راس قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی تا جریان و فرد و فرقه کوچک او از ثروت و دستاوردهایی که محصول تلاش طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهانه و کمونیستی آن طبقه میباشد بر علیه خود آنها بکار میگیرند. میدیا و ارتش و دولت و سازمانها و نهادهای مختلف قومی و دینی درست کرده اند که دقیقاً کمونیسم را با این پروپاگاندا و از راه سرکوب به آن موقعیتی برانند که امثال مهتدی دارد تصویر میکند و آرزویش را دارند. مارکس "تحلیلی" است، "خوب" است اما نباید دست به جامعه و به تغییر برد، به سرنگونی سرمایه داری دست برد و به قدرت گیری فکر کرد، نباید موقعیت نان به نرخ روز خورهایی چون مهتدی ها و سرمایه داران و مفت خورها و طبقه حاکمه را با مخاطره مواجه کند. این آن تلاش واقعی است که دشمنان مارکس و کمونیسم دنبال کرده و میکنند. "محبت" مهتدی به مارکس برای زدن مارکس و هراسی است که از کمونیسم و طبقه کارگر و آزادیخواهی دارد.

عبدالله مهتدی فاقد صلاحیت ...

ارتش و بمب افکنهای آمریکائی و دوره قبول خفت بار رهبران کلاهدار و قلدر جنبشهای ناسیونالیست و مذهبی است. مهتدی در جستجوی تقویت چنین پروژها و اهداف ارتجاعی است و رشد خود را در رشد چنین پدیده های عقب افتاده ضد کمونیستی می بیند.

ابوبکر شریفزاده: بر میگردم به آن سوال که ایشان در باره بحران در چپ اظهار نظر کرده اند. میگویند در ۵۰ سال اخیر این چپ با بحران روبرو شده و به جانی نمیرسد. شما چه پاسخی به این مسئله دارید؟

سلام زیجی: فکر میکنم به این مسئله قبلاً پاسخ دادم. ببینید کسی که خود شاهد بحران و شکست و انشعابات متعدد در صف جنبش خودش است، کسی که حتی بانی انشعابات و شکست در پدیده ای است به اسم "کومه له" و هم اکنون با موج اخراج و اعتراض و بحران وسیع در صفوف سازمانش روبرو است، قاعداً نباید چنین وقیحانه علیه چپ و بحران آن حرف بزند! این را هم گفتیم که چپ هم یک جریان اجتماعی و حامل گرایشات متعدد است و ما بخش کمونیستی و اساساً متفاوت از آن چپ رایج بوده و هستیم و داریم کار خودمان را میکنیم. در ضمن این تحول در چپ که خود مهتدی نیز از قربانیان آن بود برمیگردد به دوره بلوک شرق و فروریختن دیوار برلین و پیروزی بخشی از سرمایه داری، بازار آزاد، بر بخش دیگری از آن، یعنی بخش دولتی. جریان پیروز، سرمایه داری بازار آزاد و دمکراسی پرطمطراق بورژوازی غرب و امریکا نام آن را "شکست کمونیسم" و پیروزی دمکراسی و بازار آزاد گذاشتند. پیروزی که امروز در پی "دست آوردها"ی آن در ابعاد میلیونی انسانها نابود و خانه خرابتر شده اند و به ویژه خاورمیانه را به جهنمی برای مردم و زمینی برای تحرک دستجات ضد جامعه امثال مهتدی و اوباش اسلامی و قومپرست و تروریست تبدیل کرده اند. با این وجود افق و نیرو و جریانات کمونیست در جامعه حضور دارند و این که حتی خود مهتدی بعد از سالها به چنین مصاحبه ای تن داده یک جنبه آن ناشی از واقعیات اجتماعی و مبارزاتی است در همین کردستان که با قدرت در جریان است و ایشان را مجبور به عکس العمل کرده که در قالب "صاحب نظر چپ" به همین روند چپ آسیب برساند. کسی که شغلش دویدن به این و آن کنفرانس رژیم، آمریکائی و غیره است و البته با شکست و بی مهری روبرو شده، اکنون مجبور شده است در قالبی دیگر و از ترس گسترش کمونیسم کارگری و چپ در منطقه به این مسئله که هیچ ربط منطقی به ایشان ندارد بازگردند و حباب نفرت و تحریف خود را بترکانند.

اضافه کنم که در دوره اخیر با شروع مذاکره ایران و غرب و کاهش فضای جنگی و حمله نظامی، که همیشه افق و آرزوی امثال مهتدی را تشکیل داده است، مهتدی متوجه شکست بیشتر حال و آینده خود شده است. از این نظر هم، همچنان که قبلاً گفتم، از نظر سیاسی فاقد پرنسیب و استاندارد متعارف سیاسی است. شاید به این اندیشیده است که زمان آن رسیده برگردد کمی ادای چپ بودن در بیاورد تا بتوانند به این بهانه جمعی را به خود متوهم کنند و نیروئی که دارد از دست میدهد به شکلی جبران کند.

توجه داشته باشید که او در دوره ای که کمونیسم کارگری و کومه له و حزب کمونیست در اوج قدرت و پیشروی در ایران و کردستان بود، فعال چپ و کمونیست میشود. در دوره ای که امریکا و دمکراسی و نظم نوین و پول و اسلحه ناشی از این اوضاع "محبوب" میشود، او به یک ضد کمونیست تمام عیار تبدیل و به نقشه کش توطئه و فرد تنوریسین "کومه له" و ناسیونالیسم و هذیان گویی علیه ما کمونیستها تبدیل میشود، به حامی پروپاقرص امریکا و پروژه های سناریو سیاهی تبدیل میگردد، در دوره ای که خاتمی و دوم خرداد عروج میکند، پروژه ی فرهنگی اش گل میکند و "خشونت" گریز میشوند

در مقطعی دیگر در پی شکست سیاست هایش از فرستادن دسته دسته "پیشمرگ" بیچاره به داخل و قربانی کردن آنها دست بر میدارد و صلح طلب و دمکراسی خواه میشوند. قبلاً در دوره ای که احساس میکند کومه له باقی مانده از کمونیست کارگری گارد کمونیستی ندارد، با همت "دوستان حال و آینده" اش پول هنگفتی گیر میاورد و با قلدری داستان ۵۰، ۵۰ را به کومه له تحمیل میکند و "جعبه سیاه" را هم میبرد و میروند. هر کسی که پولدار است و تاجر و کسی که حتی در داخل زندگی میکرد و روزی نانی در "مقر" کومه له خورده اند و قبلاً به آنها بدو پیرا میگفتند، گفتند برگردید پیش ما، شما "کادر دیرینه" هستید، و سرانجام شروع کردن به گرو کشی و تجارت راه انداختن و... که امروز دوباره با بن بست و سردرگمی سیاسی و بحران سازمانی کامل روبرو گردیده است.

اگر بررسی بحرانی لازم است، بررسی پارازیت سیاسی قوم پرستی نوع مهتدی و بحرانها و شکستها و رسوائیهای پی در پی امثال فرقه اوست. مهتدی امروز که میخواهد یکبار دیگر پز "چپ" بگیرد بنا به اهداف ضد چپی که دنبال میکند، میخواهد خودش را از بحران و سردرگمی که دامنگیر گروهش شده نجات دهد و افکار و توجهات را متوجه جای دیگری نمایند.

اما به عنوان نکته آخر این را تاکید کنم که اگر جامعه و روند اوضاع سیاسی ایران و منطقه مسیر درست و سالمی طی کند بدون تردید مهتدی و جریان مشابه او ورشکسته تر و بی ربط تر به جامعه خواهند بود، اما اگر روند اوضاع علیه منافع و امنیت مردم و کارگران رقم بخورد، سناریو سیاهی شود، شبیه عراق و سوریه امروز باشد، نیروهای چون مهتدی درست مانند جریانات اسلامی و قومی در سوریه و عراق، امکان خواهند یافت رشد کنند. ظرفیت مزدوری و تبدیل شدن به عنصر سناریو سیاهی در چنین روند و سیاستهایی بسیار محتمل است. میتوانند امکانات بیشتر مادی و تسلیحاتی و تبلیغاتی از دولتها و جریانات سراسری و منطقه ای بگیرند و علیه کمونیسم و مخالفین خود دست به هر کاری خواهند برد. در چنین روند ضد مردمی امکان حضور خطرناک چنین جریاناتی در جامعه خیلی زیاد خواهد بود. اینها درست شبیه القاعده و اسلامی ها برای مدنیت جامعه برای آزادیهای سیاسی و کارگر و کمونیسم خطرناک خواهند بود. اما ما کمونیستها و جنبش آزادیخواهی در ایران و کردستان تلاش میکنیم که چنین جریاناتی نتوانند چنین موقعیتی پیدا کنند و علیه مردم و آزادی دست به کار شوند. آنها را مهار و خنثی خواهیم کرد.

ابوبکر شریفزاده: با تشکر از حضورتان در این برنامه و پاسخهائی که به سوالات ما دادید.

سلام زیجی: من هم مجدداً از شما و بینندگان تلویزیون پرتو تشکر میکنم.

(متن پیاده شده گفتگوی بخش گردی زبان تلویزیون پرتو با سلام زیجی در رابطه با سخنان اخیر عبدالله مهتدی در تلویزیون "ریگا". این برنامه تلویزیونی در روز ۳۰-۱۲-۲۰۱۳ پخش شده است. در این متن نکاتی در جهت تکمیل و تدقیق بیشتر مصاحبه اصلاح با اضافه شده است)



حادثه دردناک و دلخراش تصادف در ترمینال شهر سنندج ، ما را نیز در غم عمیق فرو برد..!

عزیز آجیکند

ها را تعیین می کند و در خفا و آشکار، طناب مرگ به گردن انسان ها می آویزد، چنان محیط کار و زیست انسان ها را

نیز ناامن کرده است که هیچ روزی نیست که اخباری دردناک و جانکاه به گوش نرسد. مرگ و میر بر اثر آلودگی هوا، مرگ و میر بر اثر تصادفات رانندگی، مرگ و میر بر اثر سوانح طبیعی، مرگ میر کودکان به دلیل مشکلات درمان و تغذیه. جانکاه ترین مرگ و میرهایی که بسیار غیر منتظره و بسیار دردناک اند، مرگ و میر بر اثر تصادفات رانندگی است. همان مرگ و میری که امروز سنندج را با شعله های آتش خود در آغوش کشید. جاده ها و خیابانهای درون شهری در ایران به دلیل عدم رسیدگی از سوی دستگاههای دولتی و همچنین بی کفایتی کارگزاران رژیم در امر مدیریت ترافیک درون و برون شهری در زمره مرگبارترین جاده ها و خیابانها در سطح جهان بشمار می روند.

با موج اعدام ها فضای سرکوب را تشدید ساخته رژیم که است، رژیمی که محیط کار و زندگی مردم را ناامن، محیط زیست آنان را تخریب، جاده ها را مرگبار و انسان ها را به مرگ و میر زودرس محکوم می کند را فقط با مبارزه متحدانه می توان به زانو در آورد تا به خواست و مطالبات مردم تن در این رژیم را تنها با مبارزه یکپارچه و متحدانه می توان به دهد. زیر کشید

تاسف خود را برای عزیزان جانباخته در این حادثه ما نهایت ابراز میداریم و صمیمانه به خانواده هایشان و همه مردم شهر سنندج تسلیت می گویم و خود را در غم از دست دادن عزیزانشان شریک می دانیم و برای مصدومان حادثه آرزوی در همان حال از همه انسانهای آزاده، زنان، بهبودی کامل داریم جوانان انقلابی و کارگران و زحمتکشان انتظار داریم که، همدردی و همبستگی خود را با خانواده های قربانیان این واقعه دلخراش را، به میدان اعتراض علیه رژیم هار و آدمکش جمهوری اسلامی تبدیل کنند



ساعت دو و نیم بامداد چهارشنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۹۷ خورشیدی ، شهر سنندج با ضربه سنگین و مهیبی از خواب بیدار شد . شهر در نخستین لحظات اولیه چهره غمناکی به خود گرفت و غم بر شانه هایش سنگینی کرد . همه جویای خبری از اون دوردستها شدند . اما خیر خیلی کوتاه بود ... این خیر کوتاه که از برخورد یک تانکر حامل سوخت با یک اتوبوس مسافربری در اتوبان مولوی شهر سنندج خبر میداد به سرعت در شهر پیچید .

حادثه و رویداد پیش آمده بسیار تلخ و دردناک بود . این خبر در بعد اجتماعی آن ، از همان ساعات اولیه مورد توجه همگان قرار گرفت. افکار عمومی و کاربران فعال حقوق بشری در شبکه های انترنیتی به وضعیت مسافران و مردمی که احتمالاً در داخل اتوبوس و کامیون بودند توجه نشان دادند. آن ها نگران ابعاد انسانی ماجرا بودند. اخبار مختلفی در نخستین لحظه های اولیه این رویداد دلخراش و پس از آن انفجار کامیون و آتش گرفتن اتوبوس و جان باختن تعدادی از مسافران از طریق کاربران شبکه های فیسبوک و انستگرام منتشر شد.

خبرها بسیار کوتاه و اما از مرگ عزیزانی میگفتند که در میان شعله های آتش گرفتار شده بودند . تعدادی از مسافران در جا جان داده بودند و تعدادی نیز طعمه آتش ناشی از انفجار شدند به طوری که اجساد بعضی از قربانیان این انفجار سوخته و از روی ظاهر قابل شناسایی نبودند.

بعد از وقوع این حادثه مرگبار، جمعیت کثیری از مردم سنندج که با صدای انفجار از واقعه باخبر شده بودند از گوشه و کنار این شهر خود را به محل رساندند و به یاری قربانیان این حادثه شتافتند.

متأسفانه امروز فجایع انسانی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، تنها به گسترش ابعاد جنایات هر روزه حکومتی محدود نمی شود . بلکه این فجایع انسانی در قلب خیابانها و جاده های ایران نیز حادثه های غم انگیز می آفرینند . در اکثر نقاط ایران از تهران گرفته تا خرمشهر و تا کرمانشاه و تا سنندج انواع حوادث و سوانح قابل پیش بینی و قابل پیشگیری در کمین نشسته اند تا در سکوت جان انسان ها را بگیرند. رژیم جمهوری اسلامی تنها در زمینه اعدام و سرکوب رتبه اول را در جهان دارا نیست بلکه این رژیم جا جای ایران و محیط کار و زیست و جاده ها و خیابانها را نیز به کمینگاه مرگ برای انسانها تبدیل ساخته است. هر آن می توان شاهد حادثه ای دلخراش، رویدادی غیرمنتظره و فاجعه ای انسانی بود. دیروز زلزله کرمانشاه و لبنان خشک و ترکیده زنان و مردان و کودکان خرمشهر و امروز سنندج همیشه سرخ در آتش. این رژیم در حالی که خود روز و ساعت و لحظه مرگ انسان

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

بدون سوسیالیسم رها شدن از چنگ جنایت و استبداد اسلام و سلطنت پادشاهی ممکن نیست

مینا تهرانی

اکثر مردم برای نان و کار و آزادی متحدانه به میدان مبارزه آمده اند و دیگر کارد به استخوان رسیده و تاب توان زندگی را از آنها ساقط کرده و یارای ادامه زندگی را با دست خالی ندارند و بیش از این نمیتواند شاهد رنج و زجر خانواده های خود باشند. مسئله آب در خوزستان از طرف دیگر موجب اغتشاش و نا آرامی شده که مسئله کم اهمیتی نبوده با کرمانی طاقت فرسا سالهاست این معضل مورد بی توجهی حاکمیتی بوده که خود از کوچکترین دزدی و غارت اموال همین مردم غافل نبوده و ثروتهای بی حساب و کتاب را به تاراج برده و اخیرا هم با هک شدن یکی از سایت های دولتی و فروش چندین هزار خودروی گران قیمت که معلوم است که به جیب چه شیادانی ریخته خواهد شد.

آخر این دولت و حکومت سر تا به پا فساد و آلودگی چه دردی از اکثریت مردم دوا کرده با این پرونده ننگین و باهزاران اعدام و شکنجه و سنگسار هنوز هم تسلیم مردم نمیشوند. ۴۰ سال زندگی را برای اکثریت مردم به یک جهنم واقعی تبدیل کردند. از آنهایی که هنوز توهمی دارند به این نظام ضد مردمی باید پرسید براستی چگونه این حاکمیت بعد از چهار سال حاکمیت که این وضع را به مردم تحمیل نموده اند اکنون بجز کشتار و خون ریزی میتوانند به مردم پاسخگو باشند بابت اینهمه بلاها و مسائب گوناگونی که بر مردم روا داشتند. اصلا فرصتی برای جواب دارند؟ به نظر من که جوابی ندارند که به مردم در ایران و دنیا بدهند در مقابل اینهمه جنایت و دنانند و بیشرمی زبان بریده شان قادر به دفاع از خود هست؟!!

زنان و جوانان و کارگران زحمتکش در ایران راهی جز اتحاد با هم علیه این رژیم و همه نیروهای طرفدار سرمایه داری و مذهب و استبداد ندارند، راهی جز بر افراشتن پرچم سرخ آزادی سوسیالیسم ندارند. چرا که بدون سوسیالیسم در ایران رها شدن از چنگ جنایت و استبداد اسلام و سلطنت پادشاهی ممکن نیست و هرگز آزادی واقعی بدست نخواهد آمد. زنده باد سوسیالیسم که تنها ناجی مردم آزادیخواه ایران در این برهه از فضای مسموم و غیر قابل تحمل برای زندگی میباشد. مرگ بر جمهوری اسلامی، بر قرار باد پرچم سوسیالیسم و حزب سوسیالیست انقلابی ایران.

در ایران زندگی از سختی گذشته

"شیر خشک که به نوزاد داده میشود در عرض یک هفته ۵۰ هزار گرون شده"

صحرا صالحی

ایران در وضعیتی خیلی بدی است. کارش به جایی رسیده که آب و برق روزانه حداقل ۳ الی ۴ ساعت قطع میشود و از این به بعد جیره بندی نیز خواهد شد. به صورت منطقه ای ایران داره به روز های جنگ دیده ی عراق میفتد در حالی که خودش منبع همه چیز است و در بهترین منطقه جغرافیایی قرار دارد اما افسوس که نمیتواند از ان مراقبت و بهترین استفاده را ببرد. هرروز تظاهرات سرکوب میشود و هر روز فضای سرکوب از سوی و عوافریبی و دروغ تحویل دادن از سوی رژیم اسلامی بر فضای جامعه میچرخد.

این حکومت رسماً میداند مردمش خواهان این نظام و حکومت نیستند ولی از رو نمیروند و برای ماندن با چنین شرایطی که برای مردم فراهم میکنند مردم را میکشند و زندانی میکنند و سرکوب میکنند ... شیر خشک که به نوزاد داده میشود در عرض یک هفته ۵۰ هزار گرون شده ... ایا این بچه ها بی گناه نیستند کسی که توانایی مالی ندارد چگونه شکم بچه خود را سیر کند ؟؟ کودکان گنج های آینده جامعه اند در حالی که اینجا هیچ گونه ارزشی ندارند. مادری بچه ی خود را به خاطر سیر کردن شکمش با یک نامه به بهزیستی تحویل میدهد، اما کدامین مادر همچین کاری میکند؟ فقط مادری که زنده بودن و نفس کودکش و سیر بودن شکم کودکش برایش مهم باشد، چون خود توانایی مالی ندارد و دولت هیچ گونه حمایتی برای همچین افرادی نمی کنند. حتی از پول های "کمپته امداد و صندوق صدقه" نیز دزدی میشود، پولی که مردم گویا به عنوان "صدقه و دفع بلا" برای کمک به دیگران جمع میکنند.

در ایران زندگی از سختی گذشته با این وضعیت معلوم نیست چه آینده ی در انتظار ما است. مسئولان حکومتی پاسخ گوی هیچ کدام از رفتار و کرده های خود نیستند. واقعا موندم تو مجلس رهبری این همه مفت خورچیکار میکنند؟ یه مشت ادامای پیر از کار افتاده ی بی مغز که دارن با نفهمی و زور گویی "دولت و جامعه" را اداره میکنند از راه سرکوب و جنایت و با خالی کردن جیب مردم زحمتکش. آزادی جامعه و خلاصی از دست این داناسورهای اسلامی قیام زحمتکشان و جوانان آگاه و پرشور علیه این نظام گندیده و دزد و استقرار یک نظام سوسیالیستی و انتخاباتی مردمی است.

افزایش خشونت و قتل های

مرموز زنان

ماریا یوسفزی



شهرخانم حوالی ساعت ده شب خانم اش را با ضرب چاقو کشت. این خانواده افغان که از چندین سال بدینسو در جنوب سویدن زندگی میکردند، چندین جواب منفی به پرونده شان دریافت نموده بودند. سوسیال ۴ طفل این خانواده را برای مراقبت با خود برده اند و قاتل هم در بازداشت پولیس بسر میبرد. گزارش های که برابم رسیده است، حاکی از این است که این خانم حتی از شوهر اش جدا هم شده بود ولی به دلایلی دوباره نزد شوهر اش برگشته بود. کوچکترین طفل اش فقط ۲ سال عمر دارد. قضیه تحت تحقیق و بررسی پولیس قرار دارد. این اتفاق در شهر ملیرود Mellerud واقع در جنوب سویدن رخ داده است.

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

بخشی از گزارشات و اعتراضات کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند

به گفته کارگران به دلیل بی توجهی مسئولین به خواسته هایشان تا رسیدن به کلیه مطالبات معوقه خود دست از اعتصاب و تجمع برنخواهند داشت.

اعتصاب کارگران خدمات شهری در مریوان

کارگران شیفت شب خدمات شهری، شهرداری مریوان برای دومین شب متوالی دست به اعتصاب زدند. این کارگران که شمار آنان بیش از ۳۰ نفر است و در شیفت شب کار می کنند، در اعتراض به عدم پرداخت عیدی سالهای ۹۶ و ۹۵ و دریافت نکردن حقوق و مزایای ۹ ماه خود از روز ۱۶ تیرماه دست به اعتصاب زده و از رفتن به سرکارهای خود، خودداری کرده اند.

کارگران کیش چوب خواستار پرداخت مطالبات معوقه و بازگشت به کارند

کارگران شرکت کیش چوب که دستکم ۱۲ ماه مطالبات معوقه دارند و از ۹ ماه پیش بیکار شده اند برنامه ای به مسئولان منطقه آزاد کیش خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود و راه اندازی مجدد شرکت شدند.

تجمع اعتراضی کارگران هفت تپه

روز ۱۸ تیرماه کارگران هفت تپه در اعتراض به عدم امنیت شغلی و احضار دوباره کارگران معترض به دادگاه و تهدید به اخراج ها در مقابل دفتر مدیریت شرکت تجمع کرده و اعلام کرده اند که تا روشن شدن وضعیت نابسامانی و اسفبار شرکت به تحصن خود ادامه خواهند داد. صبح روز یکشنبه ۱۷ تیرماه نیز شماری از کارگران نی بر نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود تجمع اعتراضی برپا کرده بودند.

دیدار جمعی از فعالین کارگری و مدنی شهر سنندج با مختار اسدی

بر اساس خبر دریافتی شب سه شنبه ۱۹ تیر، جمع کثیری از فعالین کارگری شامل اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، اتحادیه آزاد کارگران، کانون صنفی معلمین و فعالین مدنی شهر سنندج، با مختار اسدی دیدار کردند. مختار اسدی عضو کانون صنفی معلمین به اتهام فعالیت صنفی بعد از سپری کردن حکم ناعادلانه یک سال محکومیت خود در زندان اوین، روز دوشنبه آزاد گردید و مورد استقبال گرم اعضای خانواده، دوستان و فعالین کارگری و کانون صنفی معلمین قرار گرفت.

خبرها و گزارشات کارگری و توده ای این هفته را با خبر تاسف بار مرگ دو کارگر زحمتکش آغاز میکنیم.

متأسفانه روز جمعه گذشته ۱۵ تیرماه در جریان وقوع دو حادثه جداگانه در شهر کرد و ساری دو کارگر زحمتکش جان خود را از دست میدهند. یک کارگر ۴۰ ساله هنگام کار در یک ساختمان واقع در شهرک "منظریه" شهرکرد به داخل چاله آسانسور سقوط کرد و جان خود را از دست داد. در حادثه دوم نیز یک کارگر ساختمانی هنگام کار در یک ساختمان در حال ساخت در ساری، به دلیل نبود امکانات ایمنی لازم در محل کار از طبقه سوم سقوط کرد و بعد از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

مطالبات معوقه کارگران فاز ۸ شهر جدید پردیس

حدود ۲۵۰ تن کارگر فاز ۸ شهر جدید پردیس که بواسطه پیمانکاران برای شرکت «عمران خاک رستاپ» کار می کنند روز چهارشنبه ۱۳ تیر به تعویق مطالبات خود اعتراض کرده بودند. کارگران سه سال برای شرکت کار کرده اند و برغم آن که رونوشت قرارداد و مدارک دیگری برای اثبات رابطه کاری کارگران با شرکت عمران خاک رستاپ وجود دارد، هیات مدیره شرکت منکر بدهی به کارگران بوده است.

۹ نفر از رانندگان دستگیر شده در اعتصاب سراسری کامیونداران، کماکان در بازداشت بسر می برند

از میان ۱۷ راننده کامیون که در پی اعتصاب سراسری چند روزه رانندگان و دارندگان کامیون زندانی شده بودند، ۸ تن از آنها در روزهای اول بعد از بازجویی کامل آزاد شدند اما تا به امروز ۹ نفر از آنها کماکان در بازداشت بسر می برند و در انتظار تشکیل دادگاه برایشان هستند.

تجمع کارگران فولاد بویر صنعت یاسوج

جمعی از کارگران کارخانه فولاد بویرصنعت یاسوج روز یکشنبه ۱۷ تیر ماه برای چندمین بار در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود، مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. کارگران کارخانه فولاد بویرصنعت یاسوج بیش از یک سال است حقوقی دریافت نکرده اند، کارگران معترض در این خصوص می گویند، چندین سال است از کارفرمای کارخانه بویرصنعت به بهانه "نبود منابع مالی کافی" از پرداخت دستمزدهای معوقه آنان خودداری می ورزد و هر وقت نیز برای پیگیری مطالبات خود تجمع کرده اند از سوی کارفرما تهدید به اخراج شده اند.

اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری اهواز

کارگران شهرداری مناطق ۴ و ۵ و ۶ شهرداری اهواز روز یکشنبه ۱۷ تیر ماه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود دست از کار کشیده و تجمع کردند.

کارگران معترض که دارای پنج ماه دستمزد معوقه و عیدی و پاداش پایان سال می باشند، از سوی مقامات شهرداری تهدید به اخراج شدند. تعداد کل کارگران سه منطقه، ۶۰۰ نفر میباشد و تجمع تمامی کارگران شهرداری همزمان و روبروی منطقه کاری شان برپا شد.

تماس با حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

اینجا کردستان است ، جایی که جان آدمی برای نان به حراج گذاشته میشود !..

ع . باله کی

اینجا کردستان است ، قلب تپنده ایران ، جایی که کولبری آرزوی جوانان بیکار است ..

در اینجا سن اشتغال کارگران در حرفه کولبری از ۱۳ تا ۶۰ سال می باشد. اکثر کارگران کولبر را افراد فقیری تشکیل می دهند که فقط برای امرار معاش روزانه شان به این شغل خطرناک روی آورده اند.

بله اینجا کردستان است . در اینجا بیش از ۲۰۰۰ کارگر مرزی در مناطق سردشت، بانه، سقز و مریوان در حرفه ای خطرناک چون «کولبری» فعال هستند . اینجا همان جایی است که تن آدمی برای نان به حراج گذاشته می شود . اینجا کردستان است ...

کولبری داستان زندگی واقعی هزاران انسان زحمتکش این مناطق است که به فراموشی سپرده شده اند و به جای حل مشکل کولبری و ریشه یابی بیکاری در اینجا خونشان ریخته میشود و جان دانششان هر روز در نوار مرزی ایران قلب هر انسان شرافتمندی را به آزار در میآورد .

دوباره و دوباره و دوباره ... !..

سایه مرگ گام به گام در تعقیب مردمان زحمتکش این سرزمین است . در این دیار مردمانش هدف مستقیم شلیک گلوله ها قرار میگیرند و هر روز و هر ساعتی یاخانه ای بی سرپرست و سیاه پوش میشود و یا اینکه کولبری یکی از اعضای بدن خود را از دست میدهد...

کولبران هر روز جان در کف دست قصد سفری دراز در قلب کوههای کردستان را دارند و خواهند زندگی شان را بفروشنند برای تهیه و خرید نانی... ولی انگار امروز صاحب نان خریدارش نیست و نفس ها در سینه ها بند است و گویا باید در سکوت جان داد و خود را به شلیک تیری از لوله تفنگی سپرد ...

جملات بالا تنها یک شعر یا بیان درد یک زحمتکش این مرز و بوم نیست بلکه داستان واقعی زندگی نسلی است که از شدت بیکاری به ناچار کولبری را پیشه کرده است . همین مردمان که از سایه لطف تفنگچیان یا جان از کف می دهند یا یک قطعه از تن خود را ، آتوق است که دیگر معلولی یا مرگ قسمتی دیگر از زندگیشان را رقم میزند....

آنان سالیان درازی است که گذشته اند از مرز جان. اینجا مردمان را نمی توان به جوان و پیر تشخیص داد. چهره ها خسته است و تکیده. زن و کودک، مرد جوان و کهنسال، کمرها خمیده است. امروز قصه ما همان داستان تکراری «کولبر» هاست ... داستانی که بسیار زود متولد میشود و در یک چشم به هم زدن حادثه ای میآفریند....

حادثه ای مرگ یک انسان ... انسانی که انسان را آرزوست و خواهد زندگی امروز را بفروشد برای تهیه نان فردا

...

۱۳ تا ۶۰ ساله یا بیشتر! هیچ مهم نیست . جنسیت هم رنگی ندارد و شاید نقشی را هم نتواند بازی کند... باید رفت .

در میان این کوه های سخت و سرد و سر به فلک کشیده ، مهم بلدی راه است و ادامه و توان در سخت کوشی . دیپلمه و لیسانسیه هم در میانشان یافت میشود حتی دانشجو هم ... باید توشه بر داشت و دل به کوه زد ...

در اینجا مین تنها بالای جانشان نیست ، سقوط از صخره و هزار دامگه دیگر باید از سر بگذرانند تا شاید نانی را صاحب شوند. در اینجا باز آمدن و نیامدن تنها یک معجزه است و بس ...

این که بسیاری از آنها از سر ناچاری شانه های خود را زیر بار سنگین کالا ستون می کنند، شکی نیست. اینان را هیچ نهاد دولتی یا غیردولتی بویژه در مواقعی که آسیب می بینند حمایت نمی کند. برخورد های تند و نداشتن هر گونه حامی و پشتوانه امید را در دل این مردمان کمرنگ کرده است. «هرسال هم تعدادی از آنها جان خود را از دست می دهند» (که هدف شلیک نظامیان آدمکش جمهوری اعدام اسلامی قرار میگیرند....

مردمان مهربان این دیار هنوز از پس این همه سال نگاهشان دوخته به اقلیت تا باری را از شانه های بی رمقشان برداشته شود. نه صرفا از راه برخورد قانونی و یا کشتن شان و ریختن خون سرخ شان ، بلکه با ریشه یابی بیکاری و درمان درد شان !....!

بخشی از گزارشات و ...

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت رسا نور در قزوین

جمعی از کارگران اخراج شده کارخانه «رسا نور» تولیدکننده انواع لامپ های کم مصرف در شهرک صنعتی البرز قزوین در اعتراض به اخراج خود دست در محوطه این واحد تولیدی تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت شغلی شان شدند.

کارگران به اخراج حدود ۵۰ نفر از کارگران کارخانه در اوایل فروردین ماه سال اعتراض دارند. معترضان خواستار بازگشت به کار و پرداخت معوقات حقوقی خود هستند. به گفته معترضان، هریک از کارگران حدود ۱۱ تا ۱۲ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند.

بیکاری ۷۰۰ کارگر صنایع چراغ جلو اتومبیل مدرن

فعالیت های کارخانه «صنایع چراغ جلو اتومبیل مدرن» (که قطعات مورد نیاز خودروسازی در ایران را تامین می کند) با بیش از ۷۰۰ کارگر از روز شنبه متوقف شد. ۷۰۰ کارگر این کارخانه در حالی اخراج شدند که دو ماه حقوق معوقه دارند. ۵ هزار نفر نیز به صورت غیرمستقیم برای صنایع چراغ جلو اتومبیل مدرن کار می کنند بدین شیوه و با توقف فعالیت های این شرکت، تعداد زیادی از شاغلان را خانه نشین می کند.

تجمع کارگران ریسندگی و بافندگی فومنات

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی فومنات واقع در استان گیلان در پی تهدید مدیر عامل کارخانه به اخراج کارگران، تجمع اعتراضی برگزار کردند. شایان ذکر است که «کارخانه ریسندگی و بافندگی فومنات» پیشتر، ۸۵۰ کارگر داشته و در پی خصوصی سازی های دولت، به بخش خصوصی واگذار شده و در حال حاضر حدود ۱۵۰ کارگر باقیمانده آن دو ماه حقوق معوقه دارند.

معلم زندانی محمود بهشتی لنگرودی از دوشنبه هفته گذشته در اعتصاب غذا است

بهشتی، معلم و فعال صنفی زندانی، از دوشنبه یازدهم تیرماه ۹۷ در اعتراض به نحوه برخورد قوه قضاییه و دادستانی با زندانیان سیاسی در اعتصاب غذاست. سه روز نخست این اعتصاب غذا خشک بود (نه آب و نه غذا) و این اعتصاب غذا از روز چهارم پس از به وخامت کشیدن وضع جسمانی ایشان و به درخواست هم بندان، آقایان اسماعیل عیدی و عبدالفتاح سلطانی به اعتصاب غذای تر تبدیل شده است.

در گرامیداشت یاد قربانیان حادثه ای اخیر در سندانج

روز جمعه ۲۲ تیرماه تیرماه جمعی از فعالین کارگری و مدنی برای یادبود از قربانیان تصادف سندانج در محل حادثه جمع شدند و به احترام قربانیان سکوت اعلام کردند و یادشان را گرامی داشتند. آنها همچنین در اعتراض به وضعیت نامناسب جاده ها در کردستان سه دقیقه خیابان را بستند.

باز هم عوامفریبی و شیادی آخوند محمد خاتمی

ابراهیم باتمانی



عوامفریبانه برای نجات حکومت بحرانی کثیفان آمده اید مظلوم نمایی میکنید و انگشت اتهام را به جای دیگری نشانه بگیرید. نخیر! متهم اول و آخر شخص شما و کل سران و عوامل جمهوری اسلامی با همه جریانات و گرایشات درونی آن میباشد و مطمئن باشید همه تان را مجازات میکنیم!

خاتمی، این آخوند شیاده، از بنیان گذاران جمهوری اسلامی آدمکش، و یکی از مقامات اولیه نظام فاسد و جنایتکار اسلامی که پست اجرائی "رئیس جمهوری" را نیز به مدت هشت سال در اختیار داشته و به هدف تداوم عم ننگین نظامش کارهای زیادی را علیه سهروردان انجام داده از جمله نقش مستقیمی در کشتار اعتراضات و دانشجویان در ۱۸ تیر بر عهده داشته اند، اکنون دوباره به هذیان گویی عوامفریبانه افتاده است و می گوید: "ایران از نظر دمکراسی و عدالت خواهی به صد سال قبل باز گشته است!" او همچنین تاکید کرده که "فساد مانند سیل بنیان کن ایران و انقلاب را به خاطر میندازد"،

این آخوند پتیاره میگوید فساد مانند سیل بنیان کن ایران و انقلاب را به خطر میندازد، مگر از آخوند مفت خور و از نظام اسلامی و حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی فاسد تر وجود دارد؟ شما از "سیل بنیان کن فساد"ی که مبنای شکل گیری حاکمیت تان است نمیترسید! وجود این نوع از فساد اتفاقا مبنای بقای حاکمیت چهل ساله تان بوده و هست! برعکس شما از فروش خشمگین طبقه کارگر و زنان و جوانانی میترسید که دقیقا با همین فساد و موجودیت فاسد شماها مشکل بنیادی دارند، به هراس افتاده اید. این است شماها را به حرف و انتقاد و آه ناله در قبال همدیگر کشانده و مانند آسبها در سر بالائی از همدیگر به گاز گرفتن افتاده اید. اکنون میخواهید با "لبخند" دوباره کلاه سر جامعه بگذارید؟ نه! مجرم و فاسد و عامل هر عقب گردی در ایران خودت و خودتان هستید! شما نه به جامعه ایران و نه به انقلاب ۵۷ ربطی نداشتید و ندارید. چه اصلاح طلب به سرگردگی شما و چه اصولگرایان زیر نظر رهبر معظم تان همه سر و ته یک پیاز هستید. نگاه عملکرد قوه قضایه کنید همه دزد و فاسد و رشوه خوار و دروغگو و ادام کش هستند. باید اسمش گذاشت بنگاه فاسد. نگاه زندگی و عملکرد امامان جمعه تان کنید، صبح تا غروب دروغ و جهالت تحویل آن جامعه اسلام زده میدهند.

نگاه ترویج جهالت آقای طوسی قاری قران و عامل تجاوز به بچه ها بخت برگشته ان مملکت کنید. نگاه زندگی خدای مجلس خبرگان کنید، یک مشت فاسد و بیسواد و قرون وسطی که همه زندگی خصوصی و سرمایه آن مملکت را به تملک خود در آورده اند و به کسی هم جوابگو نیستند. نگاه زندگی و قدرت و اختیارات نماینده خدا، آقای خامنه ای تان کنید، طبق اسناد به دست آمده این نماینده ویژه خدا نه صد میلیارد دلار سرمایه در بانکهایی خارجی دارد. جدا از پول های امامزاده ها و قبر خمینی و قدس رضوی و ضیغه کردن یک ساعت و یک روزه این بنگاه فحشا اسلامی- قانونی و جریمه و وثیغه چند ملیونی گرفتن از زندانیان بی شمار و به اضافه پولهای که با هماهنگی سران قوه سه گانه و بیت رهبری به سپاه پاسداران ماموریت داده میشود مواد مخدر تولید و به فروش برسانند. همه اینها به حساب بیت رهبر معظم آقای خامنه ای میرود و هیچ حساب و کتابی ندارد و به کس هم جوابگو نیست.

ادامه ←

اما از این آخوند مرتجع شعبده باز و رئیس مجموعه ی از گله های آخونده ها در قم و ایران باید پرسید که تو از پشت کوه آمده اید یا خودت را به کوچه علی چپ میزنید ؟ باید از این آخوند جلد پرسید مگر تو خودت یکی از بنیان گذاران و نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی نبوده اید؟ که چه جور روزگار زنان و بی حقوقی مطلق نیمی از آن جامعه هشتاد میلیونی که زنان تشکیل میدهند روزگارشان را سیاه کرده اید، این انسانهای شرافتمند را به وسیله قانون شرع و شریعت کثیفان به بردگی کشانده اید، قانون وحوش دوهزار و دویست سال گذشته در زندگی آنها پیاده کرده اید. از کدام دمکراسی و عدالت خواهی صحبت میکنید؟ خجالت نمی کشید؟! ای دروغگو از روز اول به قدرت رسیدن حکومت عدل الهی تان با کشتن و زور و فریب و اعدام و جنگ و خون ریزی و چپاول و دزدی و غیره هر چیزی که به عدالت و آزادی و انسانیت نزدیک بود سرکوبش کرده اید حالا از "عقب گرد" صحبت میکنید آخوند مکاره!

باید از مردم آزادیخواه ایران به خصوص کارگران و زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب و انسانهای شرافتمند و مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی پرسید که عامل بازگشت "دمکراسی و عدالت" مورد ادعای شما به یکصد سال پیش، چیست! هشت سال رئیس جمهور ان مملکت بودید، هزاران نفر را به دستور تو و نظامی که در راسش قرار گرفته ای اعدام شدند. یادت است دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در مقابل فشار سیاسی و اقتصادی در دولت شما اعتراض کردند، چه بلای به سرشان آوردید و چگونه وحشیانه سرکوبشان کردید با توصل به حراست دانشگاه و اوباشان حزب الله و بسیجی و سپاه و اطلاعاتی های نظام کثیفان. و در اوج وحشیگری آنها را از پنجره دانشگاه انداختید پائین. وجود چنین نظام و آخوندها و سرمایه داران زالو صفتی که با ترورهای زنجیره ای در دوره ریاست شما و چهل سال ترور و کشتار بی وقفه حاکمیت نظام فاسد اسلامی تان تداعی میشوند منجر گردیده تا جامعه را به یکصد سال عقب برگرداند آقای جنایتکار نه راه ندادن یک فرد از مذهب دیگری به مجلس فاشیسم اسلامی تان! الان دارید بعد از چهل سال جنایت و کشت و کشتار و ترور و غارات و چپاول

زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

باز هم عوامفریبی و ...

بله شاید خاتمی! اینها گوشه ای از فساد و دزدی و جنایت سازمان یافته حکومت عدل الهی تان است و چهل سال است این شغل شریفتان بوده و شما هم شریک همه این دزدیها و جنایات و فساد بوده اید و هستیید. ولی با پر روی می آئید دروغ تحویل مردم میدهید. اما خودت و سران حکومتان خوب میدانید مردم خشمگین به خصوص کارگران و ستم دیده گان و زنان و از ادیخواهان دیگر فریب و عده و عید شماها را نمیخورند و تره برای حرفهای شماها خورد نمیکند. اگر میخواهید مثل سرهنگ قضایی بتون نکنند استعفا بدهید و بیشتر از این خون جوانان ان مملکت را نریزید. خودتان را تسلیم حزب سوسیالیست انقلابی ایران کنید ما شماها را اعدام نمیکیم و هر جنایتی مرتکب شده اید بطور علنی دادگاهی میشوید.

فراخوان من به تمام کارگران و رهبران کارگری و زنان مبارز و کمونیست و انقلابی و صف از ادیخواهان و انسانهای شرافتمند ان جامعه این است در این شرایط حساس خیلی هوشیارانه عمل نمایند و توجه ای به چرنیایات خاتمی و دیگر عوامل جمهوری اسلام نکنید و دنبال این جنایتکاران تاریخ نروید! تلاش کنید صف طبقاتی خود را حفظ کنید و نشوید نیروی پیاده نظم نیروها و احزابهای راست و بورژوازی دیگر مثل سلطنت طلبها و مجاهدین خلق ایران و ملی اسلامیه و ناسیونالیستها و قوم پرستان. شما را فرامیخوانیم تنها برای هدف از ادیخواهانه، برابری طلبانه و سوسیالیستی متحد شوید و به میدان بیایید. نیروها و جنبشهای که اشاره کردم مورد تائید غرب و امریکا هستند و در این مدت دعوتشان کرده اند پول و مدیا در اختیارشان گذاشته اند. غرب و امریکا میخواهند اینها را مثل سال ۵۷ که خمینی جلاد را برای شکست دادن صدای از ادیخواهی و کارگری و چپ با زور به ما تحمیل کردند اینها را نیز به عنوان آلترناتیو تحویل شما بدهند. اینها ربطی به منافع نود در صد جامعه ایران ندارند. باید خیلی مواظب باشید در انتخاب آلترناتیو در ایران. و در ضمن سعی کنید متحد شوید هر شکلی برایتان امکان پذیر است. متشکل شوید و با ما در تماس باشید. سعی کنید حول خواستهای از ادیخواهانه سیاسی، اقتصادی و غیره تظاهراتی ادامه دار راه بیندازید. حرکتی محلی را تبدیل به همبستگی سراسری کنید و پیشا پیش برای آن تلاش نمائید. اعتصابهای بزرگ و سراسری راه بیندازید، شعار نویسی کنید. از جمله بنویسید: زنده باد آزادی برابری حکومت کارگر، زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران، بنویسید ما خواهان برابری زن و مرد هستیم، زنده باد آزادی بی قید و شرط سیاسی، حکم جنایتکارانه اعدام لغو گردد، جدای مذهب از دولت و آموزش و پرورش، افزایش دستمزد کارگران و حق و بدون قید و شرط تشکیلی آنها، بنویسید جنایت علیه کودکان فوری پایان داده شود، و غیره. همه جا اعلام کنید و بنویسید آلترناتیو ما حزب سوسیالیست انقلابی ایران و نظام سوسیالیستی است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران با تمام توان و قدرت همراه و همسنگر شما برای رسیدن به این اهداف و سرنگونی جمهوری اسلامی، انحلال کلیه دستگاههای جنایتکار این نظام با اتکا به قیام کارگری و توده ای و قدرت متشکل و مسلح خودمان میباشد، حزب به همراه شما و برای رسیدن به اهداف از ادیخواهانه با تمام قدرت علیه موانعها و دشمنان مان که دوباره در قالب دروغین "دوست" از جانب امثال ترامپ و هیئت حاکمه امریکا و نیروهای طرفدار سرمایه داران و شکل دیگری از استبداد و نابرابری در سایه پول و تفنگ و مدیایی دولتهای ضد انقلابی امپریالیستی و منطقه ای در صدد تکرار سناریو سال ۵۷ هستند، به مقابله قاطع بر خواهد خواست.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

فراخوان من به تمام کارگران و رهبران کارگری و زنان مبارز و کمونیست و انقلابی و صف از ادیخواهان و انسانهای شرافتمند ان جامعه این است در این شرایط حساس خیلی هوشیارانه عمل نمایند و توجه ای به چرنیایات خاتمی و دیگر عوامل جمهوری اسلام نکنید و دنبال این جنایتکاران تاریخ نروید! تلاش کنید صف طبقاتی خود را حفظ کنید و نشوید نیروی پیاده نظم نیروها و احزابهای راست و بورژوازی دیگر مثل سلطنت طلبها و مجاهدین خلق ایران و ملی اسلامیه و ناسیونالیستها و قوم پرستان. شما را فرامیخوانیم تنها برای هدف از ادیخواهانه، برابری طلبانه و سوسیالیستی متحد شوید و به میدان بیایید. نیروها و جنبشهای که اشاره کردم مورد تائید غرب و امریکا هستند و در این مدت دعوتشان کرده اند پول و مدیا در اختیارشان گذاشته اند. غرب و امریکا میخواهند اینها را مثل سال ۵۷ که خمینی جلاد را برای شکست دادن صدای از ادیخواهی و کارگری و چپ با زور به ما تحمیل کردند اینها را نیز به عنوان آلترناتیو تحویل شما بدهند. اینها ربطی به منافع نود در صد جامعه ایران ندارند. باید خیلی مواظب باشید در انتخاب آلترناتیو در ایران. و در ضمن سعی کنید متحد شوید هر شکلی برایتان امکان پذیر است. متشکل شوید و با ما در تماس باشید. سعی کنید حول خواستهای از ادیخواهانه سیاسی، اقتصادی و غیره تظاهراتی ادامه دار راه بیندازید. حرکتی محلی را تبدیل به همبستگی سراسری کنید و پیشا پیش برای آن تلاش نمائید. اعتصابهای بزرگ و سراسری راه بیندازید، شعار نویسی کنید. از جمله بنویسید: زنده باد آزادی برابری حکومت کارگر، زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران، بنویسید ما خواهان برابری زن و مرد هستیم، زنده باد آزادی بی قید و شرط سیاسی، حکم جنایتکارانه اعدام لغو گردد، جدای مذهب از دولت و آموزش و پرورش، افزایش دستمزد کارگران و حق بدون قید و شرط تشکیلی آنها، بنویسید جنایت علیه کودکان فوری پایان داده شود، و غیره. همه جا اعلام کنید و بنویسید آلترناتیو ما حزب سوسیالیست انقلابی ایران و نظام سوسیالیستی است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران با تمام توان و قدرت همراه و همسنگر شما برای رسیدن به این اهداف و سرنگونی جمهوری اسلامی، انحلال کلیه دستگاههای جنایتکار این نظام با اتکا به قیام کارگری و توده ای و قدرت متشکل و مسلح خودمان میباشد، حزب به همراه شما و برای رسیدن به اهداف از ادیخواهانه با تمام قدرت علیه موانعها و دشمنان مان که دوباره در قالب دروغین "دوست" از جانب امثال ترامپ و هیئت حاکمه امریکا و نیروهای طرفدار سرمایه داران و شکل دیگری از استبداد و نابرابری در سایه پول و تفنگ و مدیایی دولتهای ضد انقلابی امپریالیستی و منطقه ای در صدد تکرار سناریو سال ۵۷ هستند، به مقابله قاطع بر خواهد خواست.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

(ابراهیم باتمانی)

نشریه شنبه ها**منتشر میشود**

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار**مقالات در نشریه****سوسیالیسم امروز:**

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

اطلاعیه همدردی حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره حادثه دلخراش تصادف در شهر سنندج

در نخستین ساعات با مداد امروز چهارشنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۹۷ خورشیدی شهر سنندج بایک حادثه دردناک و دلخراش در غم عمیقی فرو رفت. ساعت دو و نیم شب چهارشنبه در ترمینال شهر سنندج و در انجام یک تصادف دلخراش یک تانکر حامل سوخت با یک دستگاه اتوبوس مسافربری متاسفانه ده‌ها کشته و مجروح بر جای گذاشت.

در سایه حاکمیت سیاه رژیم اسلامی علاوه بر هزاران مشقت و درد و رنج دیگر و بی مسئولیتی آشکار این سیستم ضد انسانی در قبال جان و امنیت شهروندان، روزی نیست که اخبار دردناک و جانگاز، از جمله در جاده ها و ترافیک نیز به گوش نرسد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران نهایت تأسف خود را برای عزیزان جانباخته این حادثه ابراز می‌دارد و صمیمانه به خانواده هایشان و مردم شهر سنندج و ایران تسلیت میگوید و خود را شریک این سوگ بزرگ میداند. حزب برای مصدومان این تراژدی هولناک آرزوی بهبودی کامل دارد.

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلاب ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۲۰ تیر ۱۳۹۷

۲۰۱۸-۷-۱۱



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳



اخراج و بیکار سازی موقوف!